



امام سجاد(ع) از «دعا» سلاح و از «اشک» شمشیر ساخت و به مصاف جباران رفت

امام سجاد(ع) از «دعا» سلاح ساخت و از «اشک» شمشیر درست کرد و با این سلاح به مصاف ظالمان و جباران رفت و نگذاشت سنت ...

خبرگزاری مهر - امام سجاد(ع) از «دعا» سلاح ساخت و از «اشک» شمشیر درست کرد و با این سلاح به مصاف ظالمان و جباران رفت و نگذاشت سنت تبار شهدا فراموش گردد و حماسه حسین(ع) در غوغای فتح هند و اسپانیا گم شود. از آنجا که ائمه هدی(ع)، برای تمام نسلها در هر دیار و دوره shy& ای مشعلهای فروزان حقند و از آنجا که شرایط حاکم بر یک دیار و دوره با آنچه بر دیار و دوره shy& ای دیگر گذشته تفاوت دارد و از آنجا که خداوند، رسالتهای خویش را با برانگیختن حضرت محمد (ص) و جانشینان معصوم حضرتش پایان بخشیده است، پس حکمتش اقتضا می shy& کند سیره هر یک از آنان جهت هدایت با روش خاص متمایز باشد، تا روشهای گوناگون آنان، گنجینه ای پر بار برای مردم باشد و هرکس مطابق با خود و شرایط ویژه shy& ای که در آن به سر می shy& برد، از آنجا بهره گیرد. امام سجاد(ع) نیز بر مبنای این برنامه الهی عمل کرد. زندگی آن حضرت قله عبادت و زاری به درگاه خدا و نشر روح ایمان در جامعه و تربیت مردانی بزرگ همچون «زهری» و «سعید بن جبیر» و «عمر بن عبدالله سبعی» و ... در زهد و تهجد بود.

در کتابهای تاریخ آمده است که مادر امام سجاد(ع) «شهربانو» دختر آخرین پادشاه ساسانی «یزد shy& گرد سوم» بوده است. امپراطوری ایران، همچون هر نظام جاهلی دیگر بر ظلم و ستم و سیاستهای طبقاتی استوار بود. با درخشیدن نور اسلام، این نظام همچون درختی پوک و پوسیده که از وزش بادهای سهمناک ریشه کن می شود، نابود شد. پادشاه ایران از شهری به شهری می shy& گریخت تا آنکه سرانجام در خراسان به قتل رسید و خانواده shy& اش در همان شهر ماندگار شدند تا آنکه خراسان در روزگار خلافت «عثمان» در سال 32 هجری به دست مسلمانان فتح شد و خانواده امپراطور مقتول ایران، به اسارت مسلمانان درآمد و به مدینه آورده شدند. چون آنها را در پیشگاه خلیفه سوم و اصحاب بزرگ پیامبر(ص) حاضر کردند، امیرمؤمنان علی بن ابیطالب(ع)، «عثمان» را به گرامیداشت خاندان یزدگرد تشویق کرد و بدین منظور حدیثی از پیامبر(ص) را برای او خواند که فرموده بود: «عزیزان قومی را که به ذلت افتاده shy& اند، گرامی دارید.»

شاید یکی از حکمتهای این سخن دلجویی از مردمی باشد که همواره سران و بزرگان خود را مورد احترام قرار می shy& دادند، تا مبدا پرده shy& های کینه و دشمنی میان آنان و پذیرش اسلام، مانعی ایجاد کند. چون «عثمان» در این باره درنگ کرد، امیرمؤمنان(ع) فرمود: «به خاطر خدا سهم بنی هاشم را از اینان آزاد کردم.» انصار و مهاجران نیز در این کار از آن حضرت پیروی کردند. خلیفه هم چاره shy& ای جز این فرا روی خود نندید. آنگاه امام علی(ع) پیشنهاد داد که هر یک از اسرا را به حال خود بگذارند تا همسری مناسب برای خود برگزینند. یکی از دختران «یزد shy& گرد»؛ امام حسین(ع) را برگزید و دومی نیز امام حسن(ع) و بنا به قولی «محمد ابن ابی بکر» را به همسری خود انتخاب کرد.

«شهربانو» در این سال باردار شد و در پنجم شعبان سال 33 هجری نخستین فرزند خویش را به دنیا آورد و در همان روزهای اول پس از زایمان بدرد حیات گفت. سپس یکی از کنیزان امام حسین(ع) متکفل نگهداری کودک شد. بدین ترتیب، امام زین العابدین(ع) در دامن آن کنیز بزرگ شد. مردم می پنداشتند که آن زن مادر واقعی امام سجاد(ع) است در حالی که او دایه امام سجاد(ع) بود. امام سجاد(ع) هفت ساله بود که پدر بزرگش، امیرمؤمنان(ع) در محراب مسجد کوفه به شهادت رسید. پس از چند ماه اهل بیت(ع) به مدینه بازگشتند، جایی که علی بی الحسین(ع) در خانه آکنده از بوی خوش پیامبر(ص) رشد کرده بود. امام هفده ساله بود که عمویش امام حسن مجتبی(ع) را با زهر به شهادت رساندند. امام سجاد(ع) در سایه پدر بزرگوارش امام حسین(ع)، نقش رهبری در رویارویی با ارتداد جاهلیت مآب اموی را تجربه می shy& کرد.

بعد از وقوع حادثه خونبار کربلا در سال شصت و یک هجری، جامعه شیعه در تنگنای شدیدی قرار گرفت که احتمال انقراض تاریخی آنرا افزایش می shy& داد. علاوه بر فضای اختناق که بر اجتماع آن زمان حاکم شده بود، تفرقه و چنددستگی نیز در میان پیروان خاندان پیامبر(ص) دیده می shy& شد که خطری به مراتب افزون shy& تر از رویکرد سیاسی حکومت داشت. برای توصیف آشکارتر فضای اجتماعی آن دوران، سخن امام سجاد(ع)، خود گویا است و آن محدود کردن دوستان راستین خویش به بیست نفر است در مکه و مدینه! در روایتی دیگر آمده است که در نخستین روزهای امامت آن حضرت، تنها چندین تن در کنار ایشان بودند: «سعید بن جبیر»، «سعید بن مسیب»، «محمد بن جبیر بن مطعم»، «یحیی بن ام طویل» و «ابو خالد کابلی».

در سالهای بعد نیز انحراف shy& های سرزده از دهه shy& های گذشته بیش از پیش رخ می shy& نمود و جامعه اسلامی را به

کژی و نادرستی بیشتری سوق می‌شد؛ دادند. این سیره نامیمون تا جایی پیش رفت که مردم یکی از مهمترین شهرهای مذهبی عالم اسلام یعنی مدینه، دستور یافتند تا به عنوان برده با «یزید» بیعت کنند و کسانی چون «ابن زیاد»، «حجاج بن یوسف» و «عبدالملک بن مروان» مجری این احکام گردیدند. در چنین شرایطی بود که امام سجاد(ع) امامت را عهده‌دار شد؛ گردید و با سیره و روش نیکوی خویش، جامعه بحران زده و در معرض نابودی قرار گرفته شیعه را احیا کرد.

تاریخ خود گویای این امر است که آن حضرت در طول زمان سی و چهار ساله امامت خویش، آن هم در وضعیتی با آن درجه از سختی که بیست سال حکومت جابرانه «حجاج» بر عراق، نمونه بارز آن است، توانست رمقی نو به فکر تشیع داده و آن را به جریانی مطرح در جهان اسلام تبدیل نماید.

حرکتی که اوج آن را در دوران پس از وی و در زمان امامت امام باقر و امام صادق(علیهما السلام) شاهدیم. ازجمله روشها و رویکردهایی که امام سجاد(ع) برای بازگرداندن مسلمین به حقیقت اسلام مورد استفاده قرار داد، بیان عقاید راستین اسلام در قالب «دعا» بوده است. کتاب مشهور «صحیفه سجادیه» تنها بخشی از مجموعه عظیم به یادگار مانده از نجواها و راز و نیازهای آن حضرت با پروردگار خویش است که نگاهی هرچند گذرا به آن، شاهی برای تأیید این سیره اعتقادی امام (ع) به شمار می‌آید.

باید دانست که مجموعه‌های دیگری نیز در این زمینه تنظیم شده که با در نظر گرفتن این کتاب به شش عدد می‌رسند و برخی از آنها بیش از صد و هشتاد دعا را شامل می‌شود. قابل ذکر است که برخی از دعاها، در کتابهای اهل سنت نیز دیده می‌شوند که این موضوع از میزان نفوذ امام(ع) در جامعه آن روز اسلامی پس از طی شرایط محنت بار دهه شصت هجری حکایت دارد. امام زین العابدین(ع) قهرمان دوران پس از عاشورا، شاهد نبرد بی مانند تاریخ که در کربلا اتفاق افتاد، رسالت پیام را از طریق «نیایش» ادامه داد و از دعا سنگر جهاد ساخت.

امام سجاد(ع) آموزگار بزرگ مبارزه در عصر اختناق مطلق است: پس از کربلا، شیعه و رهبری شیعه در نهایت سختی قرار گرفت و ستم کاملاً بر اوضاع و احوال و سرنوشت توده‌های مسلط گردید. هیچ گونه تلاش و مبارزه‌ای امکان نداشت. آخرین انقلاب و آخرین بسیج نیرو و فریاد اعتراض که امام حسین (ع) در برابر اوضاع و شرایط زمان و قدرت حاکم بلند کرده، به ظاهر نابود شده بود و همه قتل عام شدند از آن انقلاب به ظاهر تنها یک جوان یعنی امام سجاد(ع) مانده بود. به ظاهر برای امام سجاد(ع) فرصت هیچ گونه تلاشی میسر نبود و هیچ گونه امیدی برای ادامه مبارزه و امکان برای ادامه کار وجود نداشت.

دوران امام سجاد(ع) مقارن بود با دوران زمامداری نیرومندترین خلفای اموی، «عبدالملک بن مروان» و «ولید بن عبدالملک» و با دوران «حجاج» که یکی از خون آشام‌ترین و ستمکارترین استانداران اموی بود. «عبدالملک»، ولایت کوفه و بصره را به «حجاج» سپرده بود و «حجاج» نیز هرکسی را که احتمال می‌داد به تشیع و اهل بیت گرایش دارد، از دم تیغ می‌گذراند، او از نظر سادیسیم و خون آشامی تنها با «متوکل عباسی» قابل مقایسه است. «ابن اثیر» در «کامل» می‌نویسد که «حجاج بن یوسف ثقفی» در دوران زمامداری خود بیش از بیست هزار نفر را سر به نیست کرد که اکثر آنان شیعه بودند.

در این زمان شیعه به خصوص از این جهت آماجگاه سرکوب گردیده بود، چون به دنبال شهادت امام حسین(ع) و در نتیجه حماسه کربلا قیام‌های و انقلابات متعدد شیعه صورت گرفته بود. نخست گروه «توابین» به رهبری «سلیمان بن صرد خزاعی» که در سال 61 هجری بلافاصله پس از شهادت امام دست به قیام زد که تا سال 64 هجری ادامه یافت. سپس قیام و انقلاب «مختار» صورت گرفت. «مختار» بسیاری از قاتلان امام حسین (ع) را به درک واصل کرد و خود «ابن زیاد» نیز به شمشیر «مختار» کشته شد.

این عوامل موجب شده بود که جو خفقان و اختناق شدیدی بوجود آید و شیعه به شدت سرکوب گردد. از نظر ظاهر اوضاع و احوال اجتماعی خطر نابود شدن و به فراموشی سپرده شدن نهضت اصیل اسلامی وجود داشت و راه پیامبر(ص) و امامان در خطر بود. همه دستگاههای تبلیغاتی و دینی و دنیوی در دست امویان بود: حکومت، محراب‌ها، منبرها، مسجدها، قضات، حکام و قشون همه در دست خلافت بود و امام سجاد (ع) یک تن در برابر همه این قدرتها قرار داشت. ارباب، وحشت، جنایت و جو خون و قتل عام، هرگونه تحرک عملی را غیرممکن ساخته بود.

عصری که امام سجاد(ع) در آن بسر می‌برد عصر «نتوانستن مطلق» است. امام در چنان شرائط دشواری قرار دارد که حتی «شهادت» را هم نمی‌تواند انتخاب کند. چرا که شهادت و «جهاد بالسیف» شرایطی دارد. شهادت تنها انتخاب مرگی است که بتواند به صورت سلاح درآید و اینک امکان آن نبود. مسلمانان در کشورگشایی غرق بودند و قدرت ظالم در اوج بود. عبدالملک؛ ها بر سریر سلطنت تکیه زده و امام نه یآوری داشت چون «عباس» و «علی اکبر» و نه پیام آوری چون «زینب».

شهادت در این شرایط مرگی در خاموشی بود و نه سلاحی برای درهم کوبیدن ظلم.

درچنین شرایطی امام سجاد(ع) برای تداوم بخشیدن به مبارزه، استراتژی «دعا» و «اشک» را انتخاب کرد. «نیایش» را به صورت سلاحی درآورد، به صورت یک کمین shy& برای حمله بر ظلم و پایگاهی در جهت حفظ موجودیت ایده shy&ها و ارزش shy&های اصیل اسلامی امام با دعا «کربلا» را تداوم بخشید و به دستگاه ظلم و انحرافات فکری و عقیدتی و سیاسی حمله برد. امام سجاد(ع) از «دعا» سلاح ساخت و از «اشک» شمشیر درست کرد و با این سلاح به مصاف ظالمان و جباران رفت و نگذاشت سنت تبار شهداء فراموش گردد و حماسه حسین(ع) در غوغای فتح هند و اسپانیا گم شود.

برای حفظ رهبری نهضت در آن موقعیت حساس امام سجاد(ع) به ظاهر خود را از سیاست کنار کشید و بطور علنی از قیام shy&ها پشتیبانی نکرد. ولی شواهد زیادی در دست است که انقلابیون از امام سجاد(ع) الهام می shy& گرفته shy&اند. چنان که «مختار» نیز پس از قتل «ابن shy& زیاد» سر او را برای امام زین العابدین(ع) به مدینه فرستاد. امام سجاد(ع) از اقدامات مختار» اظهار رضایت کرد.

امام چرا به طور علنی در انقلابات و جنبشهای سیاسی شرکت نکرد؟ پاسخ این است که پس از کربلا مهمترین مسئله برای جبهه حق این بوده که پیام shy&آور خون شهیدان و رهبری نهضت از بین نرود و در آن روزهای حساس و بحرانی که شیعه گروه گروه قتل shy&عام می shy& شدند، رهبری نهضت حفظ شود. امام حسین(ع) اقدام کرد و اینک باید کسی با شد که پیام این امام را حمل و حفظ کند تا اینکه نوبت به امام باقر(ع) و امام صادق(ع) رسد و آنان پیام را به صورت نظام درآوردند. این آن مصلحتی بوده که به خاطر بینش الهی، امام سجاد(ع) آنرا درک می shy& کرد در حالی که «محمد بن حنیفه» درک نمی shy& کرده است. امام سجاد(ع) به ظاهر از مسائل سیاسی به دور بوده ولی نقش عظیمی در مبارزه غیر مستقیم و فکری و ایدئولوژیک با نظام حاکم داشت.

امام سجاد(ع) در ایفای نقش پیام shy&آوری خون شهیدان، با حضرت زینب(س) شریک بود. امام در کنار زینب کبری(س) با خطابه shy&هایی دربار کوفه و شام و گفتارها و رفتار خود، رسالت حمل پیام شهیدان را انجام داد و همانند حضرت زینب، امام نیز تمام تلاشهایش را در این جهت به کار بست که حماسه کربلا و خاطرات شهادت امام حسین(ع) فراموش نشود.

امام سجاد(ع) از هر فرصتی برای کوبیدن نظام باطل استفاده می shy&کرد. سلاح اصلی امام برای تحقق این هدف خطبه و «دعا» بود. خطبه امام در دربار «یزید» یکی از نمونه shy&های بارز آن است. وقتی حضرت زبان به بیان فضائل پیغمبر و اهل بیت(ع) گشود، هر جمله امام ضربه shy&ای بود بر «یزید» و نظام اموی که میراث shy&خوار «ابوسفیان»، قطب متقابل محمد(ص) و معاویه، غاصب حقوق اهل بیت بود. در نیایش و «دعا»ها نیز امام وقتی بر بیان فضائل حضرت محمد(ص) و آل محمد تکیه می shy&کند، در واقع به طور غیر مستقیم حمله است بر کسانی که حامل ارزش shy&های جاهلی و دشمن اهل بیت shy&اند.

در «دعا»ها، امام سجاد(ع) از یک shy&سو تعالیم اسلام اصیل را زنده نگه می shy&دارد و از سوی دیگر نمی shy&گذارد مشعل مبارزه با ظلم خاموش گردد. در دعاها صهیفه کامله، امام همه اصول اعتقادی تشیع را از شناخت خداوند و توحید و نبوت و اصل امامت تا عقاید شیعه نسبت به عدل و قضا و قدر بیان می دارد. او هم حساسیت مسلمانان را نسبت به «ظلمه» و «حُکام جور» برمی shy&انگیزد و نشان می shy&دهد که در هر حال ولو همه امکانات فکری و اجتماعی در انحصار قدرت حاکم باشد و در خدمت طاغوت و «ضد اسلام» قرار داشته باشد باز هم یک مسلمان «مسئول» است و از مسئولیت دفاع از حریم اسلام و مبارزه با ظالمان فارغ نیست.

دعاهای صهیفه سجادیه دردهای اجتماعی و سیاسی مردم را در قالب نیایش بیان می shy&دارند. امام در دعاها کرارا به «نظام صالح» و «حکومت حقه» اشاره می shy&کند، از «شهیدان» سخن می shy&گوید و بر آنان درود می فرستد. از عادلان و عدالت خواهان سخن به میان می shy&آورد که همه اینها ضربه shy&هایی بودند بر زمامداران وقت. از پاسداران سنگر حق و عدالت نام می shy&برد و نظام مطلوب اسلامی را ترسیم می shy&کند که لامحاله در نظر شنوندگان مقایسه shy&ای میان «مطلوب» و «موجود» پدید می shy&آید و نظام خلافت اموی محکوم می shy&شد.

نیایش shy&های صهیفه کامله در انسان، اجتماع گریزی ایجاد نمی shy&کند و از جامعه به عزلت گاه shy&ها به فرار وادار نمی shy&کند بلکه عمل و حرکت می shy&آفریند. دعاهای صهیفه سجادیه می shy&گویند: «خداوندا به ما توانایی بخش تا از سنت پیامبر نگهداری کنیم و با بدعت shy&ها مبارزه بنمائیم و امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم ...».

از محتوای نیایش shy&های صحیفه کامله کاملاً پیداست که این آوای یک عابد گوشه shy& نشین اجتماع گریز نیست بلکه فریاد «زین العابدین» است که در عین حال امام مجاهدین نیز هست. امام(ع) مستقیماً در این دعاها از خلیفه و دربار اسم نمی shy&برد ولی یکایک ویژگیهای آنان را برمی shy&شمرد و محکوم می shy&سازد که هدفش افشاگری نظام و رسوا ساختن آن است.

«الهم انی اعوذبک من هيجان الحرص ... والحاح الشهوة و تعاطی الکلفة و ايثار الباطل علی الحق ... وسوء الولاية لمن تحت ایدینا ... : خداوندا! به تو پناه می shy&برم از اینکه حرص ما فزونی گیرد و شهوت shy&ها و نفس پرستی shy&های ما پای فشارد و دست به تجمّل shy&پرستی زنیم و با وجود حق، باطل را برگزینیم و درباره کسانی که تحت حاکمیت ما هستند رفتار بدی داشته باشیم.

هر کلمه آن ضربه shy&ای است که بر نظام اموی فرود می آید، سپس عمّله رژیم و عوامل آن را محکوم می shy&سازد: «او نعضد ظالماً او نخذل ملهوفاً: خدایا ما را از کسانی قرار مده که به ظالم و ستمکار یاری دهیم و مظلوم و بیچاره را تنها گذاریم.» «ولا تجعل للظالمین ظهیراً: برای ستمکاران پشتوانه قرار نده.» بدین سان در صحیفه کامله، امام سجاد(ع) در قالب دعا همه دردهای اجتماعی و سیاسی جامعه را مطرح می shy&سازد.

منابع:

- شهیدی، سید جعفر، زندگانی علی بن الحسین(ع)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1377.
المقرم، عبدالرزاق، الامام زین العابدین (علی بن الحسین)، مطبعة الغری، نجف 1397 ه.ق.
شهیدی، سید جعفر، پس از پنجاه سال (قیام حسین(ع))، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
شهیدی، سید جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، مرکز نشر دانشگاهی.
جرجی زیدان، تاریخ التمدن الاسلامی، مطبعة الهلال، قاهره 1902 م.
قمی، حاج شیخ عباس، سفينة البحار، انتشارات سنائی.
خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین، مكتبة المفید، قم 1367 ه.ق.
*نویسنده: دکتر پریش کوششی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی